

دکتر رابرت ای. پترسون. روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۱۲، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، رومیان و اول قرنتیان

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت پترسون و آموزه‌های او در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح هستم. این جلسه ۱۲، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، رومیان و اول قرنتیان است.

ما آماده‌ایم تا الهیات پولس را در مورد اتحاد با مسیح آغاز کنیم.

پولس تاج این آموزه است و ما می‌خواهیم با شروع از متون پولس، به تفصیل به افکار او بپردازیم. در اینجا متونی که در نظر داریم آمده است. رومیان ۶: ۱ تا ۱۴

رومیان ۸: ۱۴ تا ۱۷. رومیان ۸: ۳۸-۳۹. رومیان ۱۲: ۴ و ۵. اول قرنتیان ۱: ۳۰ و ۳۱

اول قرنتیان ۳: ۲۱ تا ۲۳. اول قرنتیان ۱۰: ۱۶ تا ۲۲. اول قرنتیان ۱۵: ۲۱ تا ۲۳

اول قرنتیان ۱۵: ۵۸. دوم قرنتیان ۱: ۳ تا ۷، دوم قرنتیان ۱: ۱۷ تا ۲۲، دوم قرنتیان ۵: ۱۶ تا ۲۱. دوم قرنتیان و ۲، حداقل به طور اجمالی. غلاطیان ۲: ۱۵ تا ۲۱. غلاطیان ۳: ۱۳ و ۱۴. غلاطیان ۴: ۶. غلاطیان ۱۲: ۱

افسسیان ۱: ۷ تا ۱۰. افسسیان ۱: ۱۱ تا ۱۳. افسسیان ۲: ۴ تا ۱۰. افسسیان ۲: ۱۱ تا ۱۶. ۲۳، ۲۲، ۵: ۲۲

افسسیان ۲: ۱۸ تا ۲۲. افسسیان ۶: ۱۰ تا ۱۲. افسسیان ۶: ۲۱ تا ۲۲. فیلیپیان ۳: ۱۲ تا ۱۴. فیلیپیان ۴: ۱۹

کولسیان ۱: ۱۳ و ۱۴. کولسیان ۱: ۲۷ تا ۲۸. کولسیان ۲: ۹ و ۱۰. کولسیان ۳: ۱ و ۴. کولسیان ۳: ۱۵. اول

تسالونیکیان ۴: ۱۶. دوم تیموتائوس ۱: ۸ و ۹. دوم تیموتائوس ۲: ۱، دوم تیموتائوس ۲: ۱۰

به خواست خدا، بررسی خود را که چیزی بیش از یک بررسی اجمالی است، به عبارت بهتر، از متون مربوط به اتحاد با مسیح در رساله پولس تکمیل خواهیم کرد. اول از همه، رومیان ۶: ۱ تا ۱۶

!این متن بسیار معروفی است. پس چه بگوییم؟ آیا باید در گناه بمانیم تا فیض افزون شود؟ به هیچ وجه چگونه می‌توانیم ما که از گناه مردیم، هنوز در آن زندگی کنیم؟ آیا نمی‌دانید که همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در مرگ او تعمید یافتیم؟ بنابراین، ما با تعمید در مرگ او دفن شدیم تا همانطور که مسیح به وسیله جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات گام برداریم. زیرا اگر در مرگی مانند مرگ او با او متحد شده‌ایم، مطمئناً در رستاخیزی مانند رستاخیز او با او متحد خواهیم شد.

ما می‌دانیم که انسانیت کهنه‌ی ما با او مصلوب شد تا پیکر گناه نابود شود و دیگر برده‌ی گناه نباشیم. زیرا هیچ کس که مرده است آزاد نشده است، بلکه کسی که مرده است از گناه آزاد شده است. حال اگر با مسیح مرده‌ایم، ایمان داریم که با او نیز خواهیم زیست.

ما می‌دانیم که مسیح، چون از مردگان برخاسته است، دیگر هرگز نخواهد مرد. مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد زیرا با مرگی که مرد، یک بار برای همیشه نسبت به گناه مُرد، اما با حیاتی که زیست می‌کند، برای خدا زیست می‌کند.

بنابراین، شما نیز باید خود را نسبت به گناه مرده و نسبت به خدا در مسیح عیسی زنده بدانید. پس نگذارید گناه در بدن فانی شما سلطنت کند تا شما را مطیع هوس‌های خود سازد. اعضای خود را به گناه تسلیم نکنید تا ابزار ناراستی باشند، بلکه خود را به خدا تسلیم کنید، مانند کسانی که از مرگ به زندگی بازگشته‌اند، و اعضای خود را به خدا تسلیم کنید تا ابزار پارسایی باشند.

زیرا گناه بر شما تسلط نخواهد داشت، زیرا شما تحت شریعت نیستید، بلکه تحت فیض هستید. پولس پیش از این دشمنان خود را که به او نسبت آنتینومیانیسم می‌دادند، به باد انتقاد گرفت. ما این را در فصل ۳، مثلاً رومیان، رومیان ۳، ۵ می‌بینیم. اما اگر ناراستی ما به نشان دادن عدالت خدا کمک می‌کند، چه بگوییم؟ اینکه خدا ناراست است که بر ما خشم می‌آورد؟ من به هیچ وجه به شیوه انسانی صحبت نمی‌کنم، زیرا در آن صورت چگونه خدا می‌تواند جهان را داوری کند؟ اما اگر از طریق دروغ من، حقیقت خدا به جلال او می‌افزاید، چرا هنوز به عنوان یک گناهکار محکوم می‌شوم؟ و چرا بدی نکنیم تا خیر حاصل شود، همانطور که برخی با تهمت به ما می‌گویند؟ نتیجه‌گیری پولس؟ محکومیت آنها عادلانه است.

پولس پیش از این دشمنانی را که به او نسبت آنتی‌نومیانیسم می‌دادند، به باد انتقاد گرفته بود. چرا بدی نکنیم تا خوبی حاصل شود، همانطور که برخی با تهمت به ما می‌گویند که چنین می‌گوییم؟ محکومیت آنها عادلانه است، رومیان ۳:۸. در اینجا، او در رومیان ۶، به این اتهام دروغین بازی‌گردد. او همین الان نوشت که جایی که گناه افزایش یافت، فیض به مراتب بیشتر شد.

یعنی هر چه گناهان ما بدتر به نظر برسند، فیض خدا در توجیه گناهان بهتر به نظر می‌رسد. اکنون دشمنان او او را متهم می‌کنند. آیا باید به گناه ادامه دهیم تا فیض افزون شود؟ ۶:۱. پولس از این پیشنهاد عقب‌نشینی می‌کند و با ناباوری پاسخ می‌دهد.

ما که نسبت به گناه مردیم، چگونه در آن زندگی خواهیم کرد؟ آیه ۲. داگلاس مو با نگاهی به گذشته، استدلال پولس را به طور دقیق خلاصه می‌کند. مسیح نسبت به گناه مرد. آیات ۸-۱۰. ما با مسیح مردیم. آیات ۳-۷. بنابراین، ما نسبت به گناه مردیم.

آیه ۲. اما چه زمانی ما نسبت به گناه مردیم؟ پولس توضیح می‌دهد که این اتفاق زمانی افتاد که ما تعمید گرفتیم. آیا نمی‌دانید که همه ما که در مسیح عیسی تعمید یافته‌ایم، در مرگ او تعمید یافته‌ایم؟ آیه ۳. گویی پولس گفته است، آیا نمی‌دانید که تعمید مسیحی به معنای اتحاد با مسیح در مرگ و رستاخیز اوست؟ تعمید ما، تعمید در مسیح است. به این معنی که ما در داستان او شرکت می‌کنیم.

بنابراین، همانطور که او مُرد، در اتحاد با او، ما نیز نسبت به گناه مُردیم. کفار مسیح، سلطه گناه بر زندگی ما را شکست. ما دیگر مجبور نیستیم از دستورات آن ارباب ظالم پیروی کنیم.

در عوض، ما متعلق به ارباب دیگری هستیم که ما را با مرگ و رستاخیز خود خرید. یعنی مسیح عیسی. پروردگار ما. اکنون ما از او اطاعت می‌کنیم.

نقل قول، ما با او دفن شدیم. بدین ترتیب با تعمید به سوی مرگ، با او دفن شدیم. تا همانطور که مسیح به وسیله جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات گام برداریم.

این آیه ۴ است. رسول از اینکه مسیحیان پس از تعمید به زندگی در گناه ادامه می‌دهند - آیه ۲ - ابراز تاسف می‌کند. انجام این کار یک سوءتفاهم اساسی است. در غسل تعمید، خداوند وعده می‌دهد که ما را در مرگ و رستاخیز مسیح با او یکی کند.

غسل تعمید به طور خودکار بر آنچه که نشان دهنده آن است تأثیر نمی‌گذارد. اما برای کسانی که ایمان می‌آورند، خدا آنچه را که وعده داده است، محقق می‌کند. پس ما باید مانند کسانی زندگی کنیم که با مسیح برای گناه مردند.

و کسانی که برای خدا زندگی می‌کنند زیرا ما در مرگ و رستخیز مسیح شرکت کرده‌ایم. به عبارت دیگر، غسل تعمید، مانند شام خداوند، محتوای جدیدی ندارد. محتوای آن انجیل است.

بنابراین اگر به پیام غسل تعمید ایمان داشته باشیم، نجات می‌یابیم. تکرار می‌کنم، خود این آیین، چه برای نوزادان انجام شود و چه برای مؤمنان، نجات نمی‌دهد. اما اگر به پیام غسل تعمید ایمان داشته باشیم، درست مانند اینکه به پیام شام خداوند که همانا این است ایمان داشته باشیم.

هر بار که این نان را می‌خوریم و این جام را می‌نوشیم، مرگ خداوند را اعلام می‌کنیم تا زمانی که او بازگردد. اگر به آن ایمان داشته باشیم، نجات یافته‌ایم. اول قرن‌های ۲۳ تا ۱۱. عیسی این تعمید را در شام خداوند به عنوان انجیل در مراسم مذهبی قرار داد تا کلیسا هرگز انجیل را از دست ندهد.

انجیل باید از منبر موعظه شود. همچنین در آنچه آگوستین و کالوین کلمات قابل مشاهده تعمید و عشا ربانی می‌نامند، بیان می‌شود. رسول تعلیم می‌دهد که مسیحیان در روایت عیسی مشارکت دارند.

در اینجا، او می‌گوید که ما با او مصلوب شده‌ایم، آیه ۶. ما در مرگ او شریک هستیم، آیات ۵ و ۸. و رستخیز آیه ۵. و ما نیز با او زندگی خواهیم کرد، آیه ۸. اتحاد ما با مسیح در مرگ و رستخیز او، اساس زندگی پیروزمندانه مسیحی در حال حاضر است. آیات ۴، ۶، ۷، ۱۱ تا ۱۳. در واقع، پولس تأکید می‌کند، نقل قول کنید، اعضای خود را به عنوان ابزاری برای بی‌عدالتی در اختیار گناه قرار ندهید.

بلکه خود را همچون کسانی که از مرگ به زندگی بازگردانده شده‌اند، به خدا تسلیم کنید. و اعضای شما برای خدا ابزاری برای پارسایی هستند - آیه ۱۳.

مشارکت ما در داستان مسیح، اساس نجات نهایی ما نیز هست. رستخیز بدن. آیات ۵ و ۸. زیرا اگر ما در مرگی مانند مرگ او با او متحد بوده‌ایم، مطمئناً در رستخیزی مانند رستخیز او نیز با او متحد خواهیم بود.

این آیه از نجات نهایی ما در قالب رستخیز بدن سخن می‌گوید. حال، اگر ما با مسیح مرده‌ایم، ایمان داریم که در رستخیز از مردگان نیز با او زندگی خواهیم کرد. من با جیمز دان در مورد آیات ۵ و ۸ موافقم. به احتمال زیاد، پولس به جای اینکه فکر کند این حقایق اکنون تحقق یافته‌اند، در ذهن داشته است.

مرگ و رستخیز مسیح اکنون مصداق دارند. اما این آیات درباره آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد صحبت می‌کنند. به احتمال زیاد، پولس تحقق کامل این رویداد حماسی و آغازین، یعنی رستخیز مسیح، در رستخیز مردگان را در ذهن دارد.

رستخیزی درست مانند رستخیز عیسی. آیه ۸. دان می‌گوید به همین دلیل، ما نیز با او خواهیم زیست. تقریباً غیرممکن است که آینده را در اینجا صرفاً منطقی بدانیم.

از این واقعیت که او مُرد، چنین برمی‌آید. اینکه ما با مسیح مُردیم و همچنین با او برخاسته‌ایم.

این باید به مشارکت در زندگی رستخیز یافته مسیح در آینده اشاره داشته باشد. آیه ۱۱ یکی از جاهای زیادی است که پولس کلمات «در مسیح» را به یک صفت اضافه می‌کند تا از ارتباط آن با مسیح صحبت کند. شما نیز باید خود را نسبت به گناه مرده و نسبت به خدا زنده بدانید.

زنده در مسیح عیسی. پایه و اساس این گفته در مرگ و رستخیز مسیح یافت می‌شود. آیات ۹ و ۱۰.

ما می‌دانیم که مسیح، چون از مردگان برخاسته است، دیگر هرگز نخواهد مرد. مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد. او با مرگی که مرد، یک بار برای همیشه نسبت به گناه مُرد.

اما زندگی‌ای که او می‌گذراند، برای خدا زندگی می‌کند. وقتی ما از طریق ایمان به لطف او به او می‌پیوندیم، درست مانند مسیح، جانشین، نماینده و جایگزین ما، از قلمرو گناه و مرگ به قلمرو زندگی و خدا حرکت می‌کنیم. کمپبل به من آموخته است که پولس مرتباً از زبان مسیح برای بیان مفهوم مکانی بودن در قلمرو یا حوزه مسیح استفاده می‌کند.

کتاب کمپبل، پولس در اتحاد با مسیح، تأثیر زیادی بر من گذاشته است. من آن را در اینجا برای اشاره به قلمرو یا حوزه در نظر می‌گیرم، و کل عبارت به معنای زنده بودن با مسیح به واسطه اتحاد با او در مرگ و رستاخیزش است. پولس از دو حوزه صحبت می‌کند: مرده بودن نسبت به گناه و زنده بودن نسبت به خدا.

او حوزه دوم را با این کلمات توصیف می‌کند: در مسیح بودن. رومیان ۸: ۱۴-۱۷. رویکرد من در اینجا برای پولس این است که از یک متن به متن دیگر بروم تا زمانی که آن را در یک سخنرانی آینده نظام‌مند کنم.

رومیان ۸: ۱۴-۱۷. زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدا هستند. زیرا شما روح بندگی را نپذیرفتید تا دوباره در ترس بیفتید، بلکه روح فرزندخواندگی را یافته‌اید، که به واسطه آن، آبا، یعنی پدر، فریاد می‌زنیم.

خود روح با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. و اگر فرزندان هستیم، پس وارثان، وارثان خدا و هم ارثان با مسیح هستیم، به شرطی که با او رنج بکشیم تا با او نیز جلال یابیم. پولس فرزندخواندگی ما توسط خدا را جشن می‌گیرد.

روح فرزندخواندگی ما را قادر ساخته است که خدا را به راستی پدر بنامیم. روح فرزندخواندگی عبارت بسیار جالبی است. وقتی به نام‌های شخصیت‌های الوهیت فکر می‌کنیم، نام‌های دو شخصیت اول برای آموزه فرزندخواندگی بسیار مناسب هستند.

فرزندخواندگی عمل فیض رایگان خداست که به موجب آن او مؤمنان را به عنوان پسران خود، به عنوان پسران بالغ، و شاید اضافه کنیم، یا دختران، به خانواده خود می‌پذیرد و تمام حقوق، امتیازات و مسئولیت‌های مربوط به آن را به آنها می‌دهد. نام پدر، پدر است. چه نام شگفت‌انگیزی برای فرزندخواندگی.

پدر ما را به خانواده خود می‌سپارد. پسر، پسر خداست، پسر بی‌ظنیر خداست که به واسطه کفاره و رستاخیز خود، بردگان گناه را از گناه رهایی می‌بخشد و آنها را فرزندان خدا می‌کند. او این کار را انجام می‌دهد؛ کار کفاره، که مربوط به فرزندخواندگی است، رستگاری است زیرا نیاز به فرزندخواندگی، بردگی یا اسارت در برابر گناه خود و حتی شیطان است.

اول یوحنا نوع بشر را به دو دسته توصیف می‌کند: فرزندان خدا و فرزندان شیطان. مسیح فرزندان خدا را با خون خود، مرگ خشونت‌آمیز خود بر روی صلیب، نجات می‌دهد، که به موجب آن پدر سپس آنها را اعلام می‌کند، آنها را می‌پذیرد، آنها را به عنوان فرزند اعلام می‌کند و آنها را به خانواده خود می‌خواند. پدر، پسر و روح القدس به گرمی سایر عناوین نیستند.

بنابراین، غلاطیان ۴ او را روح پسر پدر می‌نامد. بهتر است که این را درست متوجه شده باشم. خدا روح پسرش را فرستاده است.

این فوق‌العاده است. خدای پدر، روح خدا، پسر پدر، را فرستاده است. در یک کلام، تثلیث وجود دارد.

روح خدا، روح او، پسر پدر نامیده می‌شود. چیزی که می‌خواهم بگویم این است که چون شخص سوم نام تثلیث با تصویر خانوادگی فرزندخواندگی سازگار نیست، خدا نام شخص سوم تثلیث را تغییر می‌دهد و او را روح پسر پدر می‌نامد، غلاطیان ۴، یا او را در اینجا روح پسرخواندگی یا فرزندخواندگی می‌نامد. این نکته قابل توجه است.

و این روح القدس است که دو وظیفه را در رابطه با فرزندخواندگی انجام می‌دهد. در آیه ۱۶ به خوبی مشخص است که خود روح با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. روح شهادت درونی خود را می‌دهد که پدر ما را دوست دارد، که او پدر ماست و ما فرزندان او هستیم.

اما اول از همه، روح القدس عملی دارد که او انجام می‌دهد، عملیاتی که در آیه ۱۵ انجام می‌دهد. شما روح فرزندخواندگی را به عنوان پسران دریافت کرده‌اید که به واسطه آن، روح فرزندخواندگی، ابا، پدر را فریاد می‌زنیم. پولس تعلیم می‌دهد که روح القدس گناهکاران را قادر می‌سازد تا با ایمان به درگاه خدا فریاد بزنند.

اول قرن‌تین ۱۲، اوایل، شاید آیه ۲ یا ۳. هیچ کس نمی‌تواند بگوید عیسی خداوند است، مگر به واسطه روح القدس. این اول قرن‌تین ۱۲، ۳ است. البته، یک شخص می‌تواند این کلمات را بگوید؛ عیسی خداوند است بدون روح القدس. منظور پولس قطعاً همین است.

هیچ کس نمی‌تواند بگوید عیسی خداوند است، و این سخنان حقیقت دارند. هیچ کس نمی‌تواند بگوید عیسی جدا از روح القدس، واقعاً و به طور نجات‌بخش خداوند است. و به همین ترتیب، وقتی کسی خدا را صدا می‌زند، پدر، مرا نجات بده، به این دلیل است که روح فرزندخواندگی او را قادر ساخته است تا این کلمات را فریاد بزند.

شما روح فرزندخواندگی را به عنوان پسران دریافت کرده‌اید که به واسطه آن، «ابا» یا «پدر» را فریاد می‌زنیم. این روش پولس برای گفتن این است که حتی ایمان نجات‌بخش نیز هدیه‌ای از جانب خداست. در نتیجه پدر که ما را قادر می‌سازد خدا را صدا بزنیم، در نتیجه روح فرزندخواندگی که ما را قادر می‌سازد واقعاً خدا را به عنوان پدر خطاب کنیم، ما دیگر برده گناه نیستیم، بلکه فرزندان خدا هستیم.

روح القدس به ما اطمینان می‌دهد که در فرزندخواندگی و قرار گرفتن ما در خانواده خدا، ارث نیز به ما می‌رسد. این قابل توجه است. سال‌ها پیش، من کتاب کوچکی با عنوان «فرزندخواندگی توسط خدا» در مورد فرزندخواندگی، آموزه فرزندخواندگی در کتاب مقدس، نوشتم.

و من از دیدن اینکه چطور این یک استعاره‌ی گسترده است، شگفت‌زده شدم، واقعاً فوق‌العاده بود. این کاملاً قابل توجه است. و این یکی از جنبه‌های آن است: ما یک میراث داریم.

بچه‌ها ارث می‌برند. خدا پدر ماست. عیسی برادر بزرگتر ماست، با حرف بزرگ. او ذاتاً پسر خداست.

پدر ارث می‌برند. در این مورد نیز همینطور است.

اگر فرزندان هستیم، پس وارثان خدا و هم ارث با مسیح هستیم. ما وارثان خدا و هم ارثان مسیح هستیم. شاید بپرسم میراث ما چه خواهد بود؟ این سوال بسیار خوبی است.

مؤمنان چه چیزی را به ارث خواهند برد؟ اول قرن‌تین ۳، در پایان، به این سوال برای ما پاسخ می‌دهد. اول قرن‌تین ۳:۲۱ تا ۲۳. زیرا همه چیز از آن شماس است.

البته، او برای قرن‌تین دچار تفرقه می‌نویسد تا سعی کند تفرقه‌ها را التیام بخشد و آنها را به وحدت برساند. اما با این کار، او به طور دقیق میراث مسیحیان را به عنوان فرزندان پدر آسمانی توصیف می‌کند، زیرا همه چیز از آن شماس است.

چه پولس، چه آپولس، چه کیفا، چه دنیا، چه زندگی، چه مرگ، چه حال و چه آینده. همه از آن توست، و تو از آن مسیح هستی. و مسیح از آن خداست.

مؤمنان وارث تثلیث مقدس، آسمان‌های جدید و زمین جدید خواهند بود. میراث ما خود خداست. و خلقت نجات‌یافته به همراه همه پسران و دختران دیگر خدای زنده در تمام اعصار.

با این حال، همه اینها درست است، ما پسران و وارثان هستیم، فقط برای پسران یا دختران واقعی. کسانی که شباهت خانوادگی با پدر و پسر دارند. این موضوع قبلاً در آیه ۱۴ از رومیان ۸ معرفی شده است. زیرا همه کسانی که توسط روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدا هستند.

این آیه در مورد هدایت الهی که یک حقیقت کتاب مقدسی و هدایت الهی است صحبت نمی‌کند. بلکه در مورد سبک زندگی پسران و دختران خدا صحبت می‌کند. زیرا کلمه "هدایت شده" در اینجا به معنای پیروی از روح القدس است، همانطور که سربازان از یک گروهان در ارتش پیروی می‌کنند.

همه کسانی که از روح خدا اطاعت می‌کنند، پسران خدا هستند. به عبارت دیگر، می‌توانید فرزندان خدا را تشخیص دهید. آنها از او اطاعت می‌کنند.

علاوه بر این، اصالت فرزندی ما نیز با این شرط آزمایش می‌شود. مشروط بر اینکه با او رنج ببریم تا با او نیز جلال یابیم. آیه ۱۷ از رومیان ۸. منظور پولس فقط کسانی است که در مرگ و رستخیز مسیح به او پیوسته‌اند، پسران واقعی خدا هستند.

اتحاد، در وقایع نجات‌بخش او، به معنای رستگاری در تمام جنبه‌های آن است. از مجازات گناه در توجیه قدرت گناه در تقدیس تدریجی، و حتی حضور گناه، تقدیس نهایی. اما اتحاد با او در مرگش همچنین به معنای رنج کشیدن با او در حال حاضر است.

همانطور که اتحاد با او در رستخیزش به معنای جلال یافتن با او در آینده است. رومیان ۸:۳۸ و ۳۹. این در پایان بزرگترین بخش حفظ و نگهداری در تمام کتاب مقدس آمده است.

چرا این را اینطور می‌نامید؟ به دو دلیل. این آیه مفصل است. آیه به آیه، چهار استدلال بزرگ را مطرح می‌کند. که چرا قوم خدا در لطف و عنایت او در امان هستند.

و علاوه بر این، این یکی از مهمترین متون در مورد حفظ و نگهداری است زیرا موضوع متن حفظ و نگهداری است. رومیان ۸. من قصد دارم آیات ۲۸ تا ۳۹ را بخوانم. این کل متن است.

ما می‌دانیم که برای آنان که خدا را دوست دارند، همه چیز برای خیریت آنان که طبق اراده او فراخوانده شده‌اند، با هم در کار است. او همچنین کسانی را که از قبل می‌شناخت، از پیش مقدر فرمود که به شکل پسرش درآیند تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد.

و آنان را که از پیش تعیین فرمود، ایشان را نیز خواند. آنان را که خواند، ایشان را نیز عادل شمرد. آنان را که عادل شمرد، ایشان را نیز جلال داد.

پس به این چیزها چه بگوییم؟ اگر خدا با ماست، کیست که بتواند علیه ما باشد؟ کسی که پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را در راه همه ما فدا کرد، چگونه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟ چه کسی می‌تواند برگزیدگان خدا را متهم کند؟ خداست که عادل می‌کند. کیست که محکوم کند؟ مسیح عیسی کسی است که مرد. علاوه بر این، او برخاست.

کیست که در دست راست خداست و حقیقتاً برای ما شفاعت می‌کند؟ کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا پریشانی یا آزار یا قحطی یا برهنگی یا خطر یا شمشیر، چنانکه نوشته شده است، ما را تمام روز به خاطر تو خواهد کشت؟ ما همچون گوسفندانی برای ذبح محسوب می‌شویم. نه، در همه این امور ما از طریق او که ما را دوست داشت، برتر از فاتحان هستیم.

و این دو آیه‌ای است که می‌خواهیم بر آنها تمرکز کنیم، زیرا مطمئنم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه فرمانروایان، نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده، نه قدرت‌ها، نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگری در تمام خلقت قادر نخواهد بود ما را از عشق خدا در مسیح عیسی، پروردگار ما، جدا کند. چهار استدلال، عزم خدا را برای ادامه نجات افرادی که به لطف خود نجات داده است، نشان می‌دهد.

اولین استدلال از طریق نقشه اوست. کسانی را که از پیش می‌شناخت، از پیش مقدر، فراخوانده، توجیه و جلال داد. نقشه خدا از مقدر کردن قومش قبل از خلقت تا جلال دادن آنها در پایان، پس از رستاخیز مردگان، ادامه دارد.

هر چهار فعل، از پیش دانسته، از پیش مقدر شده، خوانده شده، عادل شمرده شده و جلال یافته، هر پنج فعل در زمان گذشته هستند که نشان می‌دهد این وقایع به خوبی انجام شده‌اند. البته، جلال یافتن رومیان که پولس برایشان می‌نویسد هنوز به خوبی انجام نشده بود، اما به خوبی در حال انجام شدن در نقشه خدا بود و آنها می‌توانستند به آن تکیه کنند. ثانیاً، ما می‌دانیم که به دلیل قدرت و تعهد خدا در مسیح در امان هستیم.

اگر خدا با ماست، چه کسی می‌تواند علیه ما باشد؟ بیان نهایی اینکه خدا با ماست این است: او پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را در راه همه ما فدا کرد. پس چگونه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟ آیات ۳۱ و ۳۲. استدلال سوم از عدالت خداست.

چه کسی می‌تواند برگزیدگان خدا را متهم کند؟ او، می‌توانم تعداد زیادی شیطان، دیو و دشمن خداوند را تصور کنم. منظور این نیست. منظور این است که چه کسی می‌تواند برگزیدگان خدا را متهم کند و آن را به کرسی داوری بنشانند؟ پاسخ این است که هیچ‌کس، زیرا پرونده ما به دادگاه عالی جهان، یعنی تخت داوری خدا، رفته است و خدا که گناهان ما را بهتر از خودمان می‌داند، ما را در پسرش عادل اعلام کرده است.

هیچ‌کس هرگز ما را محکوم نخواهد کرد. چهارمین استدلال، و از نظر تعداد آیات، مفصل‌ترین استدلال، برای نجات قومش توسط خدا، عشق به خداست. چه کسی ما را از عشق به خدا جدا خواهد کرد؟ و پولس مدام. هیچ چیز، هیچ چیز، هیچ چیز نمی‌گوید.

سخنان او جامع است. من مطمئنم که نه مرگ و نه زندگی. چه چیزی شامل می‌شود و چه چیزی شامل نمی‌شود در زندگی و مرگ یک شخص؟ یا چه چیزی در این شامل نمی‌شود؟ نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده.

همین است. خداوند از طریق پولس می‌گوید که قومش در پسر خدا در امان هستند. این آیات در انتهای بخشی از رومیان ۸:۳۸، ۳۹ آمده است که به شدت هر بخش دیگری از کتاب مقدس، بر حفظ قومش توسط خداوند تأکید می‌کند.

کسانی را که خدا نجات داده است، تا به آخر حفظ خواهد کرد. پولس بر اساس نقشه خدا، آیات ۲۸ تا ۳۰، یعنی الوهیت و قدرت او، برای حفظ [خدا] استدلال می‌کند، آیات ۳۱ و ۳۲.

عدالت او، ۳۳، ۳۴. و عشق او، ۳۵ تا ۳۹. من از کمپبل، کنستانتین کمپبل، پیروی می‌کنم که از فرهنگ لغت یونانی در فهم این کاربرد «در مسیح» برای اشاره به چیزی که با آن چیزی شناخته می‌شود، پیروی می‌کند.

ایده اینجا این است که عشق خدا که در مسیح عیسی، پروردگار ما، دیده می‌شود، اساس خدا برای نجات ماست. هیچ چیز نمی‌تواند مؤمنان را از عشق خدا جدا کند، عشقی که مستقیم و شخصی است و از طریق مسیح شناخته می‌شود. رومیان ۴:۱۲ و ۵. آیه ۳، زیرا به فیضی که به من عطا شده است، به هر یک از شما می‌گویم که خود را بیش از آنچه باید، بزرگ ندانید، بلکه هر کس با قضاوتی هوشیارانه، مطابق با میزان ایمانی که خدا به او عطا کرده است، بیندیشد.

زیرا همانطور که در یک بدن، اعضای زیادی داریم و همه اعضا عملکرد یکسانی ندارند، ما نیز فکر می‌کردیم که بسیاری در مسیح یک بدن هستند و افراد، اعضای یکدیگرند. اندکی پس از شروع بخش اصلی عملی رومیان فصل‌های ۱۲ تا ۱۶ در ۱۲: ۱ و ۲، که بر اساس فصل‌های عمدتاً اعتقادی ۱ تا ۱۱ بنا شده است، پولس خوانندگان خود را به فروتنی ترغیب می‌کند، ۱۲: ۳. او برای اساس درخواست خود، به بدن‌های ما اشاره می‌کند. او از بدن انسان به عنوان نمونه‌ای از کلیسا، بدن مسیح، استفاده می‌کند.

همانطور که در یک بدن، یعنی بدن انسان، اعضای زیادی داریم و همه اعضا عملکرد یکسانی ندارند، آیه ۴ بدن‌های ما با تنوع اعضا و عملکردها مشخص می‌شوند. پولس با مقایسه بدن‌هایمان با کلیسا، درخواست خود را کامل می‌کند. بنابراین، ما، اگرچه بسیاریم، در مسیح یک بدن هستیم و به صورت جداگانه اعضای یکدیگر، آیه ۵. حتی همانطور که یک بدن انسانی، اگرچه اعضای زیادی با عملکردهای مختلف دارد، اما هنوز یک بدن است، کلیسای مسیح نیز همینطور است.

پولس از کلیسا نامی نمی‌برد. در عوض، تصویر مورد علاقه‌اش از کلیسا، یعنی بدن مسیح، را معرفی می‌کند. با این حال، جالب است که رسول معمولاً از کلمات مسیح با استعاره کلیسا، یعنی کلیسا به عنوان بدن مسیح، مانند آنچه در اینجا استفاده می‌کند، استفاده نمی‌کند.

در واقع، وقتی او برای اولین بار مفهوم بدن مسیح را در اینجا ذکر می‌کند، می‌گوید که در مسیح است ایمانداران در مسیح یک بدن هستند، آیه ۵. منظور او این است که آنها در قلمرو مسیح هستند و در نتیجه هویت جدیدی دارند. آنها در مسیح، اعضای بدن روحانی او، یعنی کلیسا، هستند.

بنابراین او اشاره می‌کند که بدن مسیح تصویری از کلیسا در اتحاد با مسیح است. ریدربوس، هرمان ریدربوس در کتاب بزرگ خود «پولس، خلاصه‌ای از الهیات او»، به درستی معتقد است که ایده بدن مسیح از ادغام در مسیح سخن می‌گوید. همانطور که اعضای بدن ما بخشی از ما هستند، مؤمنان نیز به مسیح و به یکدیگر تعلق دارند.

این استعاره برای آموزش ایده آل است. ما می‌توانیم آن را نه تنها رابطه‌ی ایمانداران، یعنی اعضا با مسیح، سر آنها، بلکه رابطه‌ی ایمانداران با یکدیگر در زندگی بدنی بنامیم. بنابراین، پولس می‌نویسد، نقل قول: اگرچه ما اگرچه بسیاریم، در مسیح یک بدن هستیم و به صورت فردی اعضای یکدیگر، نقل قول نزدیک

سپس، او اعضای مختلف بدن مسیح را با عطایای مختلف تشویق می‌کند تا در آیات ۶ تا ۸، آیتی که قبلاً در این سخنرانی‌ها به آنها اشاره کردیم، به طور مناسب به خداوند خدمت کنند. اول قرن‌تینان ۱:۳۰ و ۳۱، با شروع از آیه ۲۶، زیرا ای برادران، به دعوت خود بیندیشید. بسیاری از شما مطابق معیارهای دنیوی خردمند نبودید.

افراد قدرتمند زیاد نبودند. افراد نجیب‌زاده زیاد نبودند. اما خدا آنچه را که در دنیا احمقانه است انتخاب کرد. تا خردمندان را شرمنده کند.

خدا آنچه را که در جهان ضعیف است برگزید تا قوی را شرمنده کند. خدا آنچه را که در جهان پست و حقیر است، حتی چیزهایی را که نیستند، برگزید تا چیزهایی را که هستند، نابود کند تا هیچ بشری در حضور خدا فخر نکند. و به خاطر اوست که شما در مسیح عیسی هستید، که از جانب خدا برای ما حکمت، عدالت، تقدیس و رستگاری شده است، تا چنانکه نوشته شده است، هر که فخر می‌کند، به خداوند فخر کند.

از ارمیا فصل ۹. در اینجا خلاصه‌ای بسیار مختصر از فیض و نجات آمده است. به خاطر اوست که شما در مسیح عیسی هستید. همانطور که در متن قبلی آمده است، به خاطر اوست که قرن‌تینان و همه مؤمنان دیگر در اتحاد نجات‌بخش با پسر هستند.

این یک متن کلیدی در مورد اتحاد با مسیح است. غیرمعمول است که رسول مستقیماً بگوید، شما در مسیح عیسی هستید، همانطور که در اینجا انجام می‌دهد. و معنایی که او برای مسیح عیسی در نظر دارد نیز غیرمعمول است.

اگرچه در زبان مسیح، به طور کلی، زبان بیانگر رابطه‌ای شخصی با مسیح است، کمپبل نشان می‌دهد که اغلب ظرافت‌های دیگری نیز به آن مرتبط است، از جمله قلمرو، عاملیت، ارتباط یا موارد دیگر. اما در این مورد، او به درستی می‌گوید، این زبان نوعی اتحاد با مسیح را منتقل می‌کند. یعنی ظرافت آن، اتحاد با مسیح است.

من سخنان حکیمانه چامپا و راسن را در تفسیرشان بر رساله اول قرن‌تینان نقل می‌کنم که ممکن است مورد علاقه من باشد. نقل قول: پولس برکات نجات را به طور خلاصه بیان می‌کند. نجات یافتن یعنی در مسیح بودن.

جای تعجب نیست که این عبارت که سرشار از معناست، به طرق مختلف تفسیر شده است. اگر دایسمن بر معنای عرفانی و تجربی عبارت، یعنی انرژی مذهبی در روح مؤمن، تأکید داشت، وایس و شوایتزر جایگاه آخرالزمانی بودن در مسیح را به عنوان شیوه وجودی خلقت جدید خدا درک می‌کردند. دیویس، ویکنهاوزر و تانهیل با ترسیم مسیری میانه، استدلال می‌کنند که تأکید بر حالت و جایگاه، هر دو تا حدودی معتبر هستند.

تجربه مسیحی از جایگاه عینی در مسیح بودن ناشی می‌شود. همانطور که چهار اصطلاح زیر در آیه ۳۰ نشان می‌دهند، در مسیح بودن به معنای برخورداری از جایگاهی امن و عینی در پیشگاه خدا و همچنین شیوه‌ای جدید از وجود آخرت‌گرایانه در همبستگی با سایر مؤمنان است. توجه به این نکته مهم است که مؤمنان همه چیز را در اتحاد با مسیح دارند، نه صرفاً به صورت خصوصی، بلکه به صورت جمعی.

آنها به عنوان اعضای بدن مسیح از پیش به او پیوسته‌اند. اتحاد با مسیح یک اصل نجات‌شناسی شخصی است، اما همچنین یک اصل نجات‌شناسی جمعی نیز هست. وقتی من به مسیح پیوسته‌ام، به همه کسانی که به او پیوسته‌اند پیوسته‌ام.

مسیح به کسانی که از طریق فیض با او متحد شده‌اند، مزایای بسیاری می‌دهد. پولس به چهار مزیت اشاره می‌کند، اما آنها با هم هماهنگ نیستند. بلکه سه مورد آخر، مورد اول را شرح داده‌اند.

مسیح برای ما از جانب خدا حکمت شد، یعنی پارسایی، تقدیس و رستگاری، آیه ۳۰. این حکمت با حکمتی که قرن‌تینان برایش ارزش قائل بودند، در تضاد است. پولس با اقتناع کلامی فرهیخته علیه این، حماقت حکمت خدا، حماقت، در گیومه، حکمت خدا را ستوده است.

با محوریت موعظه در مورد مسیح مصلوب شده به لطف خدا، پیام مصلوب شدن عیسی، با آنچه که به اصطلاح ضعف و به اصطلاح حماقتش نامیده می‌شد، در واقع پیامی از قدرت و حکمت نشان داده شد سخنان بارت بجاست. نقل قول، حکمت واقعی را نمی‌توان در فصاحت یا در گمانه‌زنی‌های عرفانی در مورد وجود خدا یافت.

این در نقشه خدا برای رستگاری جهان یافت می‌شود، نقشه‌ای که با وجود تمام حکمت خود، از خدا دور شده بود. نقشه‌ای که از طریق صلیب به اجرا درآمد. همین مسیح، که اکنون مصلوب و رستخیز یافته است رستگاری را به ما می‌دهد که در تصاویر مختلف بیان شده است.

این حکمتی که او برای ما به ارمغان آورد شامل عدالت، تقدس و رستگاری است. اگرچه این ویژگی‌ها، مسیح رستخیز یافته را توصیف می‌کنند، اما محور پیام پولس این است که او آنها را به کسانی که با ایمان با او متحد شده‌اند، عطا می‌کند. او عدالت را می‌بخشد، اصطلاحی حقوقی که از تیره ما در برابر دادگاه داوری خدا، اکنون و در آخرین داوری، سخن می‌گوید.

او تقدس را عطا می‌کند، اصطلاحی اخلاقی که از مقدس شدن ما توسط خدا برای همیشه، رشد تدریجی ما در پاکی و حضور نهایی ما در پیشگاه خدا به عنوان بی‌عیب و نقص سخن می‌گوید. او رستگاری را عطا می‌کند اصطلاحی از بازار برده‌فروشان که از رهایی ما از اسارت گناه با پرداخت بهای فدی، خون یا مرگ خشونت‌آمیز، پسر خدا، سخن می‌گوید. حکمت مسیح در آن زمان برای ما شد. حکمتی که مسیح در آن زمان برای ما شد هم الهیاتی و هم اخلاقی است.

این مربوط به حقیقت خدا در انجیل است که در زندگی به کار می‌رود. در این آیه، پولس بدین ترتیب بسیاری از آنچه را که سعی در انجام آن در اول قرن‌تینان دارد، پیش‌نمایش می‌کند. رسول با یک بند هدف را دنبال می‌کند، به طوری که همانطور که نوشته شده است، هر که به خداوند فخر کند، به او فخر کند، آیه ۳۱.

پولس به موضوع آیات ۲۶ تا ۲۹ بازمی‌گردد، جایی که توضیح می‌دهد چرا خدا معدودی از خردمندان قدرتمندان یا اشراف‌زادگان را به رستگاری فراخواند، ۲۶، و در عوض، نادانان، ضعیفان، پست‌دستان و حقیران را برگزید، حتی چیزهایی که در آیات ۲۷ و ۲۸ نیستند. چرا خدا چنین خلاف حکمت جهان عمل کرد؟ پولس با صدای بلند و واضح پاسخ می‌دهد، نقل قول، تا هیچ انسانی در حضور خدا فخر نکند، نقل قول نزدیک اکنون پولس با استناد به ارمیا ۹:۲۳، ۲۴ می‌نویسد، نقل قول، هر که فخر می‌کند به خداوند فخر کند، اول قرن‌تینان ۱:۳۱.

همانند روزگار ارمیا، انسان‌ها نباید به حکمت، قدرت یا ثروت خود ببالند، بلکه باید به شناخت خداوند ببالند. آنها باید به خداوند ببالند. یعنی، او باید محتوای فخر آنها باشد. بنابراین پولس اول قرن‌تینان ۱:۳۰ و

را با اعلام این که اتحاد با مسیح به خاطر اوست، یعنی خدا، آغاز می‌کند و با هدایت همه فخرفروشی‌ها ۳۱ به خداوند عیسی، به پایان می‌رساند.

رسول بدین وسیله نشان می‌دهد که از آنجا که رستگاری تنها از جانب خداست، تنها اوست که شایسته ستایش برای فیض عظیمش است که در مسیح عیسی به ما عطا کرده است. بنابراین، خود خدا فخرفروشی انسانی را به نفع فخرفروشی در کار رستگاری مسیح کنار می‌گذارد، که تنها در آن است که انسان مورد لطف خدا قرار می‌گیرد، همانطور که فی‌خلاصه می‌کند. تفسیر گوردون فی بر رساله اول به قرن‌تین نیز بسیار بسیار مفید است.

اول قرن‌تین ۳:۲۱ تا ۲۳ که هیچ‌کس خود را فریب ندهد، آیه ۱۸ اگر کسی از شما در این عصر گمان می‌کند که خردمند است، باید نادان شود تا خردمند شود. زیرا حکمت این جهان نزد خدا حماقت است، چنانکه نوشته شده است، او خردمندان را به حيله‌گری‌شان گرفتار می‌کند. و باز، خداوند افکار خردمندان را می‌داند که بیهوده است.

پس هیچ‌کس نباید به انسان‌ها فخر کند، زیرا همه چیز از آن توست، چه پولس، چه آپولس، چه کیفا، چه دنیا، چه زندگی، چه مرگ، چه حال و چه آینده، همه از آن توست، و تو از آن مسیح هستی، و مسیح از آن خداست. پولس، که در پی بازگرداندن وحدت به جماعت قرن‌تین است، آنها را ترغیب می‌کند که به انسان‌ها فخر نکنند. به خاطر فیض خدا به ما از طریق پسرش، ما وارث همه چیز هستیم.

بنابراین، همه چیز متعلق به شماست، از جمله رهبران مسیحی که قرن‌تین پیرامون آنها به فرقه‌ها تقسیم می‌شدند. پولس، آپولوس، کیفا، ما برای پطرس نامی می‌سازیم، از همه مهمتر، نقل قول کنید، شما از آن مسیح هستید و مسیح از آن خداست. آیه ۲۳، ما به مسیح تعلق داریم.

او به خدا تعلق دارد. جای تعجب نیست که همه چیز به ما تعلق دارد. تقسیم کردن به فرقه‌ها، نشان دادن حماقت است و عمل نکردن به عنوان وارثان همه.

به عبارت دیگر، این به معنای فراموش کردن هویت ما در مسیح است. تعلق به خدا نتیجه تعلق به مسیح است. سخنرانی امروز ما به همین جا ختم می‌شود.

اگر خدا بخواهد، در سخنرانی بعدی‌مان دوباره به این موضوع خواهیم پرداخت و به بررسی متون پولس که به آموزه باشکوه اتحاد با مسیح می‌پردازند، ادامه خواهیم داد.

این دکتر رابرت پترسون و آموزه‌های او در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه دوازدهم، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، رومیان و اول قرن‌تین است.